



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

دوران فراق سران رژیم اسلامی

ایرج فرزاد

پس لرزه های بعد از دوران پرشکوه سرنگونی طلبی مردم ایران، صفوف سران رژیم اسلامی را بهم ریخته است. معین وزیر علوم استعفا میدهد و جناح وابسته به موتلفه و رسالت، نفسی میکشد که باین ترتیب از شر کسی که محیط "آموزش" را به افراطیون "دفتر تحکیم" سپرده بود، رها میشوند. کنفرانس جبهه دو خرداد با حذف "مشارکتها" و در غیاب آنها بعنوان جناح "افراطی" جبهه دو خرداد برگزار میشود. آیات عظام از جمله "رهبر" و عسکر اولادی از پیوستن جمهوری اسلامی به "کنوانسیون زنان" شکوه کردند. دارند دوران عقب نشینی خود را تدارک میبینند، اما در عین حال "مقصرین" تلاطمهای روزهای اخیر را در صفوف خود دست نشان میکنند. در یک کلمه جمهوری اسلامی روی دست بانیان جمهوری اسلامی مانده است. بقای این رژیم را قرار بود با "جنبش اصلاحات" تضمین کنند. اکنون و بعد از ظنن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در سراسر ایران و در تظاهرات وسیع ایرانیان خارج کشور، دیگر راه بقائی برایشان نمانده است. دارند از صفوف خود کسانی را برای قربانی کردن در برابر موج تعرض مردم دست نشان بروند، دارند مسببین سقوط خود را به صفوف خودشان معرفی میکنند، تا شاید در

صفحه ۲

از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر برلینی ها جلو آمدند!



مجید حسینی

سیاسی ایران را دگرگون کرد، نه تنها دوخردادیها و اعوان و انصارشان از قبیل حجاریان، گنجی، جلالی پور و ...، بلکه طیف اپوزیسیون ملی اسلامی از راه کارگر و توده ای، اکثریتی گرفته تا سلطنت طلبان و جمهوری خواهان را به پشت صحنه سیاسی ایران راند، پرونده یک دوره تقلائی شان برای به خانه فرستادن مردم را باطل کرد. این اعتراضات نشان داد، مشخصه سیاسی و تعیین کننده اصلی این دوره در ایران، مردم اند و چگونگی رو در روی آنها با جمهوری اسلامی در محور قرار گرفته است. دیگر دوخردادیها، مانیفست گنجی، نامه های جمعی و فردی مهره های خود نظام به مقامات رژیم و مجلس اسلامی آن، حائل های کارا و ضربه گیر بین مردم و رژیم نیستند. از این پس، مردم، جمهوری اسلامی و جریانات اپوزیسیون راست و چپ جامعه فاکتورهای بر جسته و

از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر روزهای پرشکوه و فراموش نشدنی از مبارزات آزادیخواهانه مردم در ایران است. در این روزها نسیم انقلاب با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری سرتاسر ایران را دربر گرفت و مردم عزم خود را برای سرنگونی یکی از جنایتکارترین رژیمهای تاریخ بشریت به دنیا اعلام نمودند. اعتراضات این دوره، سیمای

امکان نفس کشیدن به رژیم اسلامی ندهیم!



عبدالله شریفی

abe_sharifi@yahoo.com این واقعیت که مبارزات مردم آزادیخواه ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی، از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر فضای سیاسی جامعه ایران را دگرگون کرده است، این حقیقت

که با این دوره از مبارزات مردم، جنبش سرنگونی وارد فاز جدیدی شده است، حتی توسط سران ریز و درشت حکومت اسلامی هم چندان انکار نمی شود. اهمیت این دوره از اعتراضات را می شود از زوایای گوناگون بررسی کرد، درسها و تجارب آن را به خود آگاهی تاریخی مردم برای تداوم مبارزه علیه توحش اسلامی بکار گرفت. اما آنچه در این میان عیان است این است که این عمل سیاسی واقعیتهای فراوانی را به اثبات رساند. گوشه ای از نیروی متحد مردم معترض را حول شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را تجربه کرد. ضعف و

تعیین کننده تحولات آتی در ایران هستند. مبارزات اخیر فضایی را که اپوزیسیون راست تلاش کرد بدنبال پایان جنگ و پیروزی نظامی آمریکا در عراق، در ایران دامن زند و مورد استفاده قرار دهد، در هم شکست. جریانات پرو غرب، این مدافعان تبعیض، استبداد و نابرابری، در تقلائی که اتکای مردم به نیروی خویش را ضعیف و کور کنند و در عوض، افق و امید مردم را به آمریکا و کشورهای غربی گره زنند، از این طریق آنها را چشم انتظار نگاه دارند و مانع تحرک انقلابی آنها و سرنگونی رژیم به شیوه انقلابی گردند. این جریانات از به میدان آمدن مردم در هراسند، استراتژی آنها جلوگیری از انقلاب و تحمیل بساط دیگری از قماش، سلطنت و یا جمهوری از راه کودتا، توطئه و در نهایت دست بدست کردن قدرت از بالای سر مردم با اتکا به نیروی مالی، سیاسی و تبلیغی و یا نظامی کشورهای غربی است. تعرض مردم به رژیم اسلامی با

صفحه ۲

استیصال دم و دستگاه آدمکش اسلامی را به وضوح نشان داد. اکنون فقط چند هفته از این اتفاق مهم در تاریخ مبارزه مردم برای ساقط کردن رژیم اسلامی میگذرد، مردمی که در تهران و شهرهای دیگر شبانه روز در

صفحه ۳

کومه له بدون وظیفه

حامدخاکی

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر - ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۲۰ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بهارزهر

تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بهارزهر

بروت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دوران فراق سران رژیم اسلامی

(ادامه از صفحه ۱)

مراحل بعد و در روزهای دفن جمهوری اسلامی، کسانی را برای قربانی کردن و فرونشاندن خشم مردم از پیش انگشت نما کرده باشند.

اما، مردم ایران مهره های رژیم ۲۵ سال جنایت و نسل کشی را با اسم و رسم میشناسند، پرونده همه آنها در کشتارها و نسل کشیها و فجایع انسانی برای مردم ایران روشن است، آقایان را بر پرده تلویزیون و پشت تریبون های "مقدس" نماز جمعه دیده اند که با وقاحت فرمان قتل را علنا صادر کرده اند، بسیاری را در صف اول اراذل و اوباش حزب الله دیده اند، برگماردگان شکنجه گر همین روسای اسلام را به نام میشناسند. رژیم اسلامی حتی یک روز بدون کشتار و قتل نفس و قهر اسلامی نمیتوانست بر سر کار بماند و این خون پاشیدن بر جامعه ایران بدون حضور جانی ترین عناصر اسلامی در راس نهادهای تصمیم گیری ممکن نبود.

کمونیسم کارگری جامعه آزاد شده از طاعون اسلام سیاسی را بر اساس انتقامجویی و دایر کردن بساط مجازات اعدام بنا نمیکند. اما همه سران رژیم اسلامی، تمام آن جانپان اسلامی که در قتل و جنایت علیه مردم ایران آمر و عامل بوده اند را پشت میز محاکمه خواهیم گذاشت. محاکمه اینها، و پخش علنی پروسه بررسی جنایات سران رژیم اسلامی را به صحنه آشنائی میلیونها نفر از مردم جهان متمدن با مصائب و رنج و درد هائی که جانوران اسلامی بر سر مردم ایران آوردند، بدل خواهیم کرد. با آن صحنه ها، آن نیروهائی که طی این سالها حامی فاشیستهای اسلامی بودند و یا در توطئه سکوت با آنها همسو بودند، چه حال و روزی خواهند داشت؟

برلینی ها جلو آمدند!

شعار مرگ بر شاه و اعتصاب کارگران که نظام شاهنشاهی را ساقط کرد انداخت. جمهوری اسلامی از به حرکت در آمدن این نیروی عظیم وحشت دارد، نیروهای ملی و مذهبی اپوزیسیون، شریک این وحشت بودند. اما مردم این نیرو عظیم را پشت سر خود دارد و هر زمانیکه کارگران عزم کنند و وارد این جدال گردند، جمهوری اسلامی تاب مقاومت نخواهد داشت.

در این دوره، جریانات راست طرفدار استبداد و سرکوب، یا از دست مردم خوردند، یا متوجه عمق تحولاتی که در ایران جریان دارد، شدند. اینها رسیدن مردم را به آزادی و رفاه دوست ندارند، در فقر، سرکوب، عقب ماندگی جامعه و دور کردن مردم از دخالت در امور زندگی شان، نفع می برند و می توانند کاره ای شوند. این دوره تمام شد، جمهوری اسلامی فعلا از آن جان سالم بدر برده است، اما گامی بزرگ به سرنگونی نزدیک گردید و مردم با اعتماد به نفس بالایی، شیوه مطلوب خلاصی از آن را جلو چشم جامعه گرفتند. روش آمریکا و سیاستهای ارتجاعی آن مشخص است، این دولتها به فکر منافع خویشند، کمترین ارزشی برای آزادی مردم و زندگی و رفاه آنها قائل نیستند.

باید دید جریانات سلطنت طلب و جمهوری خواهان یا چه شگردهایی دیگری برای گمراه کردن مبارزه مردم و تقابل با آن باز می گردند؟ آیا باز هم با شعار فراند

یا با برنامه دیگری در صدد جبران بر خواهند آمد؟ در هر حال مردم باید در هر مرحله ای، مواظب اینها باشند، انقلاب خود را به سرانجام برسانند و تحت هیچ شرایطی از خواستهای بر حق خود کوتاه نیایند.

اما یک نتیجه طبیعی این دوره از اعتراضات مردم، جلو آمدن بیشتر حزب کمونیست کارگری ایران در بطن جامعه و دخالت جدی و موثر آن در ایران و در اعتراضات مردم در کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا بود. عوامل متعددی حزب کمونیست کارگری ایران را به یکی از فاکتورهای مهم در صحنه سیاسی جامعه ایران تبدیل کرده و توجه مردم، جوانان، زنان و کارگران را بیشتر از هر دوره ای بدان جلب نموده است.

از روز اول پیدایش دو خرداد،

حزب کمونیست کارگری ایران، تنها جریانی بود که دو خردادها را آتپوریکه هستند به مردم معرفی کرد و فلسفه رای مردم به خاتمی را، منصور حکمت به روشنی بیان کرد. این حزب در مقابل غوغای رای ۲۰ میلیونی و بازار گرمی ملی اسلامی ها قاطعانه ایستاد و در نقطه اوج تکاپویشان در کنفرانس برلین، آنها را به شکست کشانید. شعار مرگ بر جمهوری اسلامی توسط آذر مدرسی در آن کنفرانس، کنفرانس برلینی ها را به مردمی که طی یک ماه این شعار را در تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، سنج، همدان و تبریز سر دادند، ربط داده است. از آن زمان تاکنون حزب کمونیست کارگری ایران، یک تنه در مقابل تلاش اپوزیسیون راست و «چپ» بورژوازی، برای قالب کردن این رژیم و حفظ آن تحت لوی «اصلاح طلبی» ایستاده است. برنامه حمایتی کشورهای غربی از خاتمی را، در کنفرانس برلین و لوکووم و رسوا و خنثی کرده است. در این مدت بسیاری از جریانات راست و «چپ» عمده فعالیتشان، تهمت و افترا و پاپوش دوزی و تبلیغات مسموم علیه حزب کمونیست کارگری و خدمت گذاری و سرویس دادن به «محققین»، «کارشناسان» و «هنرمندان» دو خردای بود، که می خواستند چهره مخوف رژیم را رنگ آمیزی کنند و به مردم بفروشدند.

در گپیور دار این جدالهای فشرده سیاسی، حزب کمونیست کارگری ایران از انعکاس خبر و دخالت در مبارزات کوچک و بزرگ کارگران غفلت نکرد، و باید گفت تمام آکسیونهایی حمایتی از اعتراضات و خواستهای کارگران را، این حزب سازمان داده و با قدرت تمام پیگیری نموده است.

آخرین نمونه آن کمپین بزرگ حمایتی حزب از کارگران بهشهر است. کل جریاناتی که سنگ دفاع از کارگران را به سینه می زند، روزنامه هایشان را با مطالب «کارگری» سیاه میکنند، جمع فعالیتهایشان در تمام حیات سیاسی، به اندازه یکی، فقط یکی از کمپین های این حزب موثر و مفید به حال کارگران نبوده است. اینجا درک وارونه اینها از کار کمونیستی و فعالیت کارگری مورد بحث ما نیست.

سالیهای زیادی است که حزب کمونیست کارگری ایران به معنی واقعی میداندار اصلی سیاست در ایران و یک طرف اصلی این

جدال در برابر جمهوری اسلامی و بقیه اپوزیسیون است. این حزب مستحق است مورد توجه و حمایت مردم در ایران قرار گیرد، این حزب کارگران، جوانان و زنان جان به لب رسیده از دست این رژیم هار اسلامی است. حزبی است برای همه مردم، حزبی است برای تمام کسانی که آزادی و رفاه و است که مخالف اعدام انسانها هستند، مخالف وجود زندانی سیاسی در ایرانند و برای آزادی بدون قید و شرط سیاسی می جنگند، حزب زنانی است که برابری کامل زن و مرد را می خواهند و نزدیک به ۲۵ سال تمام مبارزه و مقاومت کرده و تسلیم مزخرفات اسلامی این رژیم نشدند. این حزب مدرنی است که شادی و آزاد زیستن برای جوانان را در برنامه دارد، طب و آموزش و پرورش رایگان جز ابتدایی ترین حقوق انسانها میدانند. این حزب کارگرانی است که آزادی جامعه را می خواهد تا خود از هر گونه ستم و استتشار آزاد گردد. باید کودکان، سالمندان و همه شهروندان جامعه از زندگی مرفه و انسانی بهره مند باشند.

مردم! جوانان! زنان! کارگران! به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید، باید به این حزب بزرگ پیوست تا زندگی شاد و لایق انسان امروزی را برای خودمان و بچه هایمان فراهم کنیم. برنامه این حزب را، برنامه یک دنیای بهتر را بخوانید، شعارهایش را به شعار هر اعتراض و جمعی تبدیل کنید.

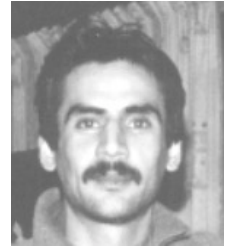
حزب کمونیست کارگری ایران حزب منصور حکمت است، سیاستهای انسانی و انقلابی آن در طی این سالها، پایه های کمونیسم و چپ در جامعه ایران را مستحکم کرده و گسترش داده است. این حزب تلاش می کند جمهوری اسلامی هر چه زودتر با انقلاب مردم سرنگون شود و مردم اداره امور جامعه و سرنوشت خویش را بدست گیرند. این امر تنها از طریق این حزب امکان پذیر است و صالح ترین نیرو برای اداره جامعه و ضامن دخالت مردم در همه شئون زندگیشان است. سعادت و آزادی مردم در گرو به قدرت رسیدن حزب کمونیست کارگری ایران است.

**زنده با حزب کمونیست
کارگری ایران!**

۲۵ جولای ۲۰۰۳

کومه له بدون وظیفه

در حاشیه نوشته هلمت احمدیان
در جهان امروز ۱۱۰



حامدخاکی
hkhaki50@yahoo.com

در شماره ۱۱۰ نشریه جهان امروز ارگان کومه له مقاله‌ای تحت عنوان «ابزار سرنگونی جمهوری اسلامی، جنبشهای اجتماعی یا شورشیهای خودجوش» به قلم «هلمت احمدیان» سردبیر این نشریه آمده که پرداختن به آن از جهاتی مهم است. ایشان در این مقاله کوتاه به مقولاتی از

قبیل جنبشهای اجتماعی، انقلاب و شورش پرداخته است که در آن طرح آن مقولات به حافظی شبیه است تا تتوری بی وظیفه کردن سازمانشان و تخطئه مبارزات توده‌ای بافته شود. اما از جهتی دیگر این نوشته بطرز عجیبی با «تحلیل» سران باند زحمتکشان که سه سال پیش از کومه له انشعاب کردند، مشابهت دارد. نویسنده مقاله جهان امروز در مورد مبارزات ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر نوشته است: «... مبارزات دور اخیر بر بستر اوضاع منطقه و تهدیدات و فشارهای آمریکا بر جمهوری

اسلامی در شرایطی متفاوتتر منطقی‌ای و جهانی پیش می‌رفت ...» آقای هلمت احمدیان می‌خواهد به تاثیرگذاری حضور آمریکا اشاره کند تا بی‌ارزش جلوه دادن این مبارزات را «مستدل» کرده باشد و بگوید چرا سازمان متبوعش ضمن اینکه خود را بی وظیفه دید در حاشیه ماندن خود را نیز به فضیلت تبدیل کرد. و این موضع را مقایسه کنید با نتیجه ای که «تحلیلگران» سازمان زحمتکشان بدست داده اند: عبدالله مهتدی در مصاحبه‌ای که همزمان با اوج‌گیری اعتراضات مردم با تلویزیون

آپادانا داشت می‌گوید: «... هر جنبش خاصی توانائی و ظرفیت خاصی دارد و نمی‌شود بار تمام به اصطلاح سرنگونی‌خواهی را فقط بر دوش یک جنبش معین گذاشت (...» و ناصر حسامی عضو دیگر مرکزیت جریان زحمتکشان در مصاحبه با رادیو آمریکا می‌گوید: «... این بیشتر یک حرکت خودجوش دانشجویان بود. ... جنبش دانشجویان مرزهای محدودی دارد و نمی‌تواند وظیفه سرنگونی حکومت و یا وظیفه فعال کردن همه جامعه سیاسی ایران را بر دوش تحركات



امکان نفس کشیدن به رژیم اسلامی ندهیم!

(ادامه از صفحه ۱)

خیابانها مرگ بر جمهوری اسلامی را سر دادند، خود می‌بینند که نتیجه این دوره از مبارزاتشان چه آتشی به جان دستگاه کثیف حاکمیت اسلامی انداخته است. سران جنایتکار اسلامی را با مشکلات جدید روبرو کرده است. اختلافات و گسستگی آشکار، بیشتر شده است. کسی خط کسی را نمی‌خواند. قدرت سرکوب و دست‌درازی را روز به روز از دست میدهند. با فرسودگی تمام در وحشت موج جدید اعتراضات مردم یک لحظه آرامش ندارند. بی آنکه کسی پرسیده باشد و یا مسئله کسی باشد جناب خاتمی روزی چند مرتبه تهدید به استعفا میکند. رفسنجانی دارد تقصیر را از خود دور میکند و از اینکه در دوران دولت «پرونقش» چه برنامه‌هایی برای جوانان داشته، «هراس خود را از آینده تار نظامش نمایش میدهد. کروی می‌تازد که دوستانش را که هواداران راستین امام بوده اند را حذف کرده اند. و... این نوع دست و پا زدن بعد از هر تعرضی که مردم برای نفی رژیم اسامی در پیش گیرند، امری است بدیهی تازه از این هم بیشتر خواهد شد. واقعیت مسلم این است که مردم برای این اراجیف تره خورد نمیکنند. مردم به خیابان آمدند که کل این سیستم بی حقوقی

هنوز جنبش برای مسکن و خیل عظیم بیکاران خود نمایی نکرده است، هنوز جنبش برای رهایی و برابری طلبانه زنان، جوانان و محرومان جامعه، به ستوه آمدگان فقط گوشه ای از قدرت خود را نشان داده است. هنوز جنبش رهایی از شر اسلام، از شر خرافه مذهب از شر توحش و کشتار اسلامی از درصد پابینی از نیروی خود بهره گرفته است که دارند تلفاتشان را می‌شمارند. که به در خیره شده اند و مرگ را انتظار میکشند. هنوز فقط نسیم یک انقلاب پر قدرت قرن بیست و یکمی وزیده است که تمام پروژه های نجات اسلام و حاکمیت اسلامی شکست خورده و بی مایه کنار زده شده است. گمان نکنم اگر کسی که ریگی به کفش نداشته باشد، بتواند کتمان کند که تا همین جا، رژیم اسلامی هیچ پروژه ای برای حفظ خود ندارد. با بی افقی مرگ نظامشان را لحظه شماری میکنند. پروژه های قبلی چنان به حاشیه رانده شده اند که هواداران سبک و سنگین دوم خرداد و رفراوند چپ ها و از این نوع سناریو ها برای فرار از مسولیت فعالیت همین شش ماه گذشته خود دست و پای همدیگر را له میکنند. کجایند آنهایی که پشت سر خاتمی صف کشیده بودند و اسلام خوراکی را برای مردم تجویز میکردند؟! کجایند جریانات پرو رژیمی که اسلام اطلاع شده را به رخ مردم میکشیدند؟! کجایند تازه

دمکراتهای نظم نوینی که فرش قرمز جلو پای هر معمار و شکنجه گر «ولتر» شده در اروپا پهن میکردند؟! تا این جای این روند جریانات اپوزیسیون پرو رژیم را باید در لیست تلفات سیاسی این جبهه ثبت کرد. اکنون دیگر مشکل همه عشاق خود جمهوری اسلامی است، اصلا مشکل جمهوری اسلامی موجودیت خود جمهوری اسلامی است. با این حال اکنون سوال این است که این نیروی عظیم که با گوشه ای از قدرت خود قادر شد در یک شتاب نه تنها کل نظام اسلامی را بدون عایق به میدان بکشد بلکه هر نوع تلاش دور و نزدیک برای حفظ اسلام چه از طریق رفراوند خواهی و چه از طریق نا فرمانی مدنی را از اعتبار ساقط کند، و نه تنها این بلکه هر نوع تحول از بالا را با مخاطرات جدی روبرو کند، و آن را بسوی غیر ممکن بودن، سوق دهد، اکنون چگونه به پیشروی خود ادامه دهد؟ البته این جنبش عظیم خیلی کارها میتواند انجام دهد و بایست انجام دهد، اما در موقعیت کنونی بعد از سپری کردن دوران با شکوه مبارزات متحد و یکپارچه حول سرنگونی جمهوری اسلامی توازن قوا طوری است که باید تعرضات را بی وقفه و مداوم بر پیکر حکومت اسلامی حتی یک روز هم قطع نکرد. سران نظام اسلامی امید به سپری کردن و ماندن از این موج تا موج دیگر، به راز بقایش

تبدیل شده است. سیر عقب نشینی رژیم چنان پر شتاب شده است که با هر تعرض جدید امکان تعرضات دیگر فراهم میشود. نباید این موقعیت را از دست داد. قطعاً این دوره با به میدان آمدن گسترده جنبش سرنگونی، فرصت دیگری برای انتخاب سیاسی بوجود آمده است، جامعه ایران دارد به وضوح به چپ می‌چرخد. احزاب، ابزار جنبشها و طبقات برای نیل به اهداف گوناگون و متضاد هستند، مردم محروم ایران، زنان و جوانان، کارگران و کل جامعه آزادیخواه باید در این روند که مبارزه برای آزادی و برابری به خیابانها کشیده شده است، حزب کمونیست کارگری را با شعارها و مطالبات این حزب، به پرچم مبارزه خود وسیعاً مبدل کنند. دور آتی باید شفاف تر گفت سرنگونی جمهوری اسلامی باید جای خود را به جامعه ای مرفه، آزاد و برابر، جامعه ای مرفه، جامعه ای انسانی بدهد. از هم اکنون با بدست گرفتن شعارهای زنده باد آزادی و برابری، آزادی زندانیان سیاسی، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، لغو حجاب اجباری، آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، مطبوعات، آزادی تشکل احزاب و لغو مجازات اعدام و... میتواند جامعه را بسوی تحقق آرزوهای انسانی برای رهایی رهنمون شود. ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۳ * * *

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

رژیم جنایتکار اسلامی در سندج "عدنان قادری" کارگر خیاط را اعدام کرد

سه نفر دیگر را خطر اعدام تهدید میکند

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است مزدوران جنایتکار رژیم اسلامی روز چهارشنبه گذشته (اول مردادماه - ۲۳ ژوئیه) شخصی به نام عدنان قادری را در سندج اعدام کرده اند. طبق این خبر او کارگر خیاط بوده و در کارگاهی در پاساژ سرای حامد در شهر سندج کار میکرده است. هنوز جزئیات دیگر این جنایت رژیم روشن نیست. باز در همین زمینه از شهر سندج خبر رسیده که رژیم حکم اعدام سه نفر دیگر را صادر کرده است و این سه نفر را خطر اعدام تهدید میکند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این جنایت وحشیانه رژیم اسلامی را شدیداً محکوم میکند و جزئیات بیشتر این جنایت رژیم را در اطلاعیه های بعدی در اختیار افکار عمومی خواهد گذاشت.

بدون شک این جنایات دم مرگ، هرگز نمیتواند باعث کندی روند مبارزه توده ای برای سرنگونی رژیم گردد. برعکس، هر جنایتی از این نوع عزم مردم را در اجرای حکم ساقط کردن این رژیم سراپا جنایت قاطعتر میکند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، مردم آزادیخواه را به تشدید مبارزه برای هرچه نزدیکتر ساختن روز نابودی این رژیم فرا میخواند. مردم آزادیخواه بویژه مردم مبارز شهر سندج باید با گسترش و تشدید مبارزه خود مانع شوند که رژیم بتواند به این جنایات ادامه دهد و ناچار شود احکام صادره اعدام را لغو کند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۶ مرداد ۱۳۸۲ - ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۳

کومه له بدون وظیفه (ادامه از صفحه ۳)

دارند. نبض هر دو، کومه له و سازمان زحمتکشان، با حرکات و اعتراضات و روزهای پر جوش و خروش دروه اخیر مبارزات مردم ایران نزد عبور مردم از کل رژیم با همه جناحهایش و وارد شدن جامعه ایران به مرحله به مصاف طلبیدن رژیم اسلامی با شعار سرنگونی و آزادی و برابری، به آنان تکانی نداد. یکی به این دلیل که اساساً پروسه سقوط رژیم اسلامی را بدون عراقیزه کردن ایران و تبدیل شدن احزاب اپوزیسیون به مهره های سناریو پنتاگون ناممکن میدانند و خود را دنباله رو امثال جلال طالبانی میدانند و دیگری به این دلیل که نیروهای واقعی جامعه ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی را نه شناخته است و نه برسمیت می شناسد، به این دلیل که در این توهم به سر میبرد که گویا "شورش" های خودبخودی منتظر رهنمودهای جریانات حاشیه ای میمانند. جریانی که در این ابهامات غرق است که گویا مبارزه برای بریز کشیدن جمهوری اسلامی نه با نیروی انسانهای زنده در صحنه، که از کانال

دانشجویی انداخت ... هنوز جنبشهایی که می توانند به عامل سرنگونی حکومت تبدیل شوند آنچنان که باید و شاید سازمان یافته نیستند....»
هر دو تحلیل، در نفی و تحقیر مبارزات مردم مشترکند. اولی آنرا "شورش" مینامد و دومی حرکت "خود جوش" و اینجا برای هر دو عینیت و آنچه در خیابانهای شهرهای بزرگ ایران اتفاق افتاد، شعارهای مردم و دانشجویان، آماده باش رژیم و بی رحمی نیروهای سرکوبگر و تعطیل و سانسور هر روزنه و منفذ خبری کوچک و بزرگ، از اینترنت و شبکه های ماهواره ای گرفته تا دستگیریهایی وسیع و خشونت های کم سابقه، همگی فاقد اهمیت اند!! چرا؟ فقط به این دلیل که "تحلیل" هایشان ناچارشان کرده است آن اتفاقات عینی را حتی آنطور که بوده اند، نبینند.
اما مشکل اینجا فقط در رفتن با مقولات من درآوردی برای توجیه عقب ماندن از روند آن روزهای پر تب و تاب نیست. مشکل جایگاه اجتماعی و بستر جنبشی است که در آن قرار

و فراخوانهای همین دوران، و نه تسکین خود با توهام دوران بی خطی و بی افقی قبل از آن، یعنی دوران "جنبش مقاومت" است.

به حزب کمونیست کارگری

پیوندید!

کمکهای مالی به کمیته کردستان

۱. نیما و. ر ۱۵۰ اورو
۲. محمد یگانه ۱۰۰ اورو
۳. شمس صلواتی ۱۰۰ اورو
۴. پروین معاذی ۵۰ اورو
۵. محمد کریمی ۱۰۰ اورو
۶. مسعود کریمی ۱۰ اورو

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون کانال ۶

سه شنبه: ۱۱:۳۰ شب

پنجشنبه: ۶:۲۰ بعد از ظهر

جمعه: ۱۲ ظهر

شنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر

بوقت تهران

کمیته کردستان حزب

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

تلفن: 0046 739 855 837

ای میل: r_hoseinzadeh@yahoo.com

مسئول روابط عمومی

خالد حاج محمدی

تلفن: 0046 707485754

ای میل: khaledhaji@yahoo.com

"چپ" و "اصیل" و "صادق" ناسیونالیسم کرد و هم پیمانان آن در طیف بقایای چپ سنتی را نمایندگی میکند و دیگری کاندیداتوری جناح راست و دریده و قوم پرست همان ناسیونالیسم و تمرین ادای جلال طالبانی را به عهده گرفته است.

اینکه آقای احمدیان با مقولات ویر میرود و قادر نیست دنیای بیرون را آنطور که هست ببیند، از سر بد طینتی او و رهبران سازمان متبوعش نیست. استراتژی ناسیونالیسم کرد با افق سرنگونی طلبی در مقیاس سراسری تناقض دارد.

در مقطع جدائی از کمونیسم کارگری همین افق کار دستتان داد، در دوره بعد از جنگ خلیج "حکومت" ناسیونالیستها در کردستان عراق زمین گیرتان کرد و در این دوره، شما را در یک کشمکش پر تلاطم در فقدان تصمیم گیرها و اتخاذ سیاستهای شجاعانه و انقلابی و در ندیدن مبارزات سراسری به حاشیه پرتاب کرد. مقولات را به کناری بگذارید و وجه تشابه خیره کننده خود و سازمان زحمتکشان را بروشنی ببینید. در تعجبم که آیا واقعا به ادبیات دوران از کنگره دو کومه له تا تشکیل کنگره موسس حزب کمونیست ایران اصلا مراجعه میکنید؟ آیا اصلا ادبیات آن دوران را حتی در آرشیوهایتان دارید؟ آن دوران همراه با منصور حکمت مدام داشتید با منقدین بسیار کینه توزی از قبیل راه کارگر مرزهایتان را روشن میکردید و نگران ملانقط ها و مقولات دوائر "چپ" حاشیه ای نبودید. اگر راهی برای خروج از انزویاتان موجود باشد، رجعت به ادبیات